

## مسئله توزیع پس از تولید و ضرورت آن

نویسنده: امین جمالی، کارشناس ارشد علوم اقتصادی

Formatted: Indent: Before: 0.84 cm, Hanging: 1.7 cm



توزیع پس از تولید به توزیع ثروت حاصل از فرایند تولیدی در بین عوامل تولید می پردازد. به عبارت دیگر تعیین عایدی هر کدام از عوامل تولید بعد از شرکت در یک طرح تولیدی بر عهده نظام توزیع پس از تولید است. این بخش از اقتصاد اسلامی بعد از فرایند تولیدی و تخصیص منابع طبیعی (توزیع پیش از تولید) و قبل از نظام بازار اسلامی و دادوستد قرار می گیرد. عوامل تولید تعیین کننده در یک فرایند تولیدی به سه دسته نیروی کار، ابزار تولید و ماده اولیه تقسیم می شود و پول برای ورود خود به یک طرح تولیدی باید به حالت یکی از این سه دسته قرار گیرد.

حالات سهمبری نیروی کار در فرایند تولید به دو صورت اجرت ثابت و شراکت در سود (و عدم تحمل زیان) است. اجرت ثابت در ازای کاری که نیروی کار انجام می دهد در نظام دادوستد تعیین می شود و حالتی تضمین شده دارد. ولی حالت شراکت در نتیجه تولید یا سود، وابسته به شرایط اقتصادی است و عامل تضمین را به همراه ندارد. در یک نظام اقتصادی نیروی کار باید در انتخاب شیوه سهمبری مختار باشد. انسان در فرایند تولید محوریت دارد و اوست که تعیین کننده مدل پاداش خود است. لذاست که نباید در نظام اقتصادی نیروی کار مجبور به قبول شیوه اجرت ثابت شود و آنقدر شرایط اقتصادی محیا باشد که هر فردی بتواند خود صاحب طرح تولیدی و مالک محصول نهایی شود.

نیروی کار بخاطر کار مستقیمی که انجام می دهد و با محصول نهایی ارتباط مستقیم دارد حق سهمبری از آن را پیدا می کند. لذا صاحب ماده یا سرمایه اولیه نیز بخاطر پایداری مالکیت او بر مواد اولیه تولیدی در فرایند تولید با محصول نهایی ارتباط مستقیم دارد و می تواند از محصول نهایی سهمی داشته باشد. البته در این حالت اولویت با مالکیت صاحب ماده اولیه است و اوست که باید اجازه دهد تا نیروی کار بتواند از نتیجه تولید سهمی داشته باشد. این قضیه بخاطر احترامی است که اسلام برای مالکیت خصوصی قائل است. لازم به ذکر است که در این ساختار زیان حاصل از یک فرایند تولیدی تماما بر دوش صاحب ماده اولیه است. در صورتی که صاحب ماده اولیه اموال خود را قرض بدهد، در واقع او اموال خود را از مالکیت اعیان خارج و مالکیت بر ضمه و عهده فرد پیدا کرده است. این قضیه باعث می شود که در فرایند تولید -چه سودی محقق شود و چه ضرر- سهمی نداشته باشد و تمام نتیجه تولید بر عهده نیروی کار باشد.

در این بین صاحب ابزار تولیدی از آن جهت که در فرایند تولید کارکردی دارد و منافی را به صاحب طرح تولیدی می رساند می تواند اجرت ثابت دریافت کند. این اجرت ثابت در ازای کاری است که انجام داده و آن را از کارفرما یا صاحب طرح تولیدی دریافت می کند. ولی بخاطر ارتباط غیر مستقیم صاحب ابزار تولیدی در نسبت با نتیجه تولید طبق نظر شهید صدر نمی تواند در محصول نهایی شریک شود.

بنابر این بهترین حالتی که می توان برای سهمبری عوامل تولید (طبق نظر شهید صدر) در نظر گرفت شراکت نیروی کار با صاحب ماده اولیه در فرایند تولید است که در این صورت مسئله اصلی ما تنظیم و ارتقای شرایط ایجاد کسب و کارها و ایجاد روحیه کار و تلاش برای تولید می شود. ابزار تولید نیز در فرایند تولید از آن جهت که مستهلک می شود و نمی تواند در فرایند تولید در محصول نهایی شریک شود دقیقاً در جایگاه خادمی برای انسان قرار می گیرد.

نگاه اجمالی به این سیستم ما را با فرضیه هایی مواجه خواهد کرد. در شرایطی که اقتصاد رو به رشد است و اکثر فعالیت های تولیدی به ثمر می رسد؛ نیروی کار پایه پای سرمایه از محصول نهایی سهم می برد و این باعث می شود تا سودهای کلان در بین صاحبان سرمایه و نیروی کار توزیع شود. از طرف دیگر ابزار تولید نیز در ازای کاری که در فرایند تولید ارائه می دهد اجرتی دریافت میکند و محدود بودن آن در این مدل سهمبری و استهلاکی که به همراه دارد، باعث می شود که رشد سرمایه در بخش ابزار تولید کنترل شده باشد.

از طرف دیگر در حالتی که شرایط اقتصادی رو به افول و شکست است علی القاعده زیان حاصل از فرایند تولید را صاحبان سرمایه متحمل می شوند و نیروی کار با وجود تضمینی که از طرف دولت برای تامین معیشت های مردم دارد ضرری در فرایند تولید نخواهد دید و تنها ما حاصل کار خود را دریافت نمی کند. هر چند که اجرت ابزار تولید دارای ثبات کافی در فرایند تولید است ولی نیروی کار نیز می تواند مدل سهمبری خود را به صورت اجرت ثابت قرار دهد و از نواسانات اقتصادی در امان باشد. وجود سود تضمین شده برای ابزار تولید می تواند از ایستادن و سقوط پیاپی نظام اقتصادی بکاهد و بخاطر رغبت صاحبان سرمایه برای ورود به عرصه بازار ابزار تولید و عرضه آن ها برای تولید کنندگان (با وجود کاهش نرخ سود بخاطر اوضاع نابسامان اقتصادی و تقاضای کم ابزار تولید) باعث رشد اندک اقتصاد شود.

شاید در این بین سوالی پیش بیاید که این مقدار دقت و تمرکز بر چنین موضوعی چه اهمیتی دارد و چه مسئله ای را رفع می کند؟ در جواب باید گفت که این تحقیق بیش از آن که بخواهد روش حل مسئله ای را بیان کند به جواب و نقطه مطلوب اشاره دارد و کمک کننده یافتن سوالات اصلی از مواردی است که به غلط سوال تشخیص داده شده و ما به دنبال آن ها هستیم. به عبارت دقیقتر، یکی از طرق شناخت مسائل جامعه، تفسیر و بررسی اقتصاد کشور بر اساس کنشگران آن است. کنش به عنوان یک فعل ارادی متشکل از مجموعه ای گزاره های باید و نباید است که از تحلیل عوامل درونی معرفتی و غیرمعرفتی به وجود خواهد آمد. در نوع مسئله شناسی، مکتب و الگوی مطلوب مدنظر باید بیان کننده کنش مطلوب بازیگران عرصه اقتصاد است و مقایسه عملکرد کنونی این بازیگران با کنش مطلوب، مسئله اصلی ما را روشن می سازد.

در نظام توزیع پس از تولید، منظومه ای از قواعد تنظیم مالکیت وجود دارد که کنشگران اقتصادی بعد از یک فرایند تولیدی ملزم به رعایت آن قواعد هستند و در صورت عدم رعایت آن ها در اقتصاد ایجاد چالش و مسئله خواهند کرد. [این چالشها در اقتصاد کنونی کشور نیز قابل رویت هستند و بی عدالتی چالش اصلی آن است. بی عدالتی اقتصادی و نابرابری علت های مختلفی دارد. یک جنبه آن به توزیع نابرابر امکانات و منابع طبیعی برخواهد گشت و جنبه دیگر آن به تفاوت در استعدادهای افراد و عدم بازتوزیع مناسب. ولی جنبه ای که به فرایند تولید مربوط می شود عدم توزیع عادلانه ثروت تولید شده در بین جامعه است.](#)

عده ای بخاطر داشتن قدرت پولی همیشه نیروی کار را استخدام می کنند و اجازه ورود آن به سهمبری از نتیجه تولید را نمی دهند. همچنان که در تعیین اجرت المثل نیروی کار -خصوصا در شرایط بد اقتصادی- قدرت چانه زنی بالایی دارند و با بالا بودن نرخ بیکاری چیزی برای قدرت چانه زنی نیروی کار باقی نمی گذارند. درحالی که انسان نباید ابزاری برای تولید باشد و همواره اجیر شود به گونه ای که حتی نتواند یک زندگی معقول را برای خود آماده سازد. قواعد توزیع پس از تولید ساختاری را ارائه می دهد که هر فرد به اقتضای استعداد و توانایی خود ثروت مناسب کسب کند و هر کسی به حق خود دست یابد. لذاست که بررسی این نظریه بخشی از وضعیت مطلوب را روشن می سازد و روشن سازی دقیق وضعیت مطلوب تبیینگر بهتر مسائل اقتصادی در راستای رسیدن به هدف اصلی اقتصاد اسلامی است.

منابع:

۱. صدر، محمدباقر، الف ۱۳۹۴، اسلام و راهبر زندگی، ترجمه سید مهدی زندیه، قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر (انتشارات دارالصدر)
۲. صدر، محمدباقر، ب ۱۳۹۴ گفتارهای بنیادین، ترجمه سید امید مؤذنی، قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر (انتشارات دارالصدر)
۳. صدر، محمدباقر، ۱۳۹۳، اقتصادنا، ج ۱، مترجم ابوالقاسم حسینی و مهدی برهانی، قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر (انتشارات دارالصدر)
۴. صدر، محمدباقر، ۱۳۹۳، اقتصادنا، ج ۲، مترجم ابوالقاسم حسینی و مهدی برهانی، قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر (انتشارات دارالصدر)
۵. معین الدین خان، محمد و دکتر ام. ا.ج سید، ۱۳۹۴، مالکیت و مشارکت در اسلام، مترجمان: احمد شعبانی و محمدمهدی نجفی علمی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۶. صدر، موسی، ۱۳۸۶، رهیافت های اقتصادی اسلام، ترجمه مهدی فرخیان. تهران: موسسه فرهنگی-تحقیقاتی امام موسی صدر.
۷. مهدوی کنی، محمدرضا، ۱۳۷۹، اصول و مبانی اقتصاد اسلامی در قرآن، تهران: دفتر نشر دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۸. یوسفی، احمدعلی، ۱۳۸۶، نظام اقتصاد علوی، مبانی، اهداف و اصول راهبردی، تهران: سازدما انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸، مبانی اقتصاد اسلام، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
۱۱. گرامی، محمدعلی، ۱۳۹۲، الف: مالکیت ها، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۲. عیوضلو، حسین، ۱۳۸۴، عدالت و کارایی، در تطبیق با نظام اقتصادی اسلام، تهران: انتشارات امام صادق علیه السلام.